فصلنامه پژوهش های مدیریت در جهان اسلام
شماره مجوز: ۸۵۴۹۵ شماره استاندارد بین المللی: ۶۰۹۴-۲۶۷۶ شماره دهم (بهار ۱۴۰۱)

بررسی نقش معلم در چگونگی ایجاد صفات مثبت پایدار در دانش آموزان پایه پنجم استان کرمانشاه

(تاریخ ارسال ۱۴۰۰/۱۱/۲۵ تاریخ پذیرش ۱۴۰۱/۰۳/۲۰)

دکتر شهلا رضایی [۱]

زهرا ایزدپناه

سیمین حیدری رحیم آبادی

چکیده

آموزش وپرورش زمینه سازرشد فکری، اخلاقی، فرهنگی وتربیتی انسان‌های یک جامعه پویا است. معلم باتوجه به نفوذ معنوی ونقش الگویی خود دربین دانش آموزان، به عنوان رکن اصلی درپیشبرد این هدف محسوب می‌شود. معلم با محتوایی که دراختیار اوقرار داده می‌شود برای رسیدن به هدف تلاش می‌کند، ازجمله ملاک‌هایی که درگزینش و ارائه محتواهای تربیتی مورد توجه قرار می‌گیرد ملاک‌های اخلاقی است. در این مقاله به چگونگی ایجاد صفت مثبت پایدار در دانش آموزان پایه پنجم ابتدایی پرداخته شدا است و راهکارهای زمینه سازی تربیت اخلاقی در آموزش و پرورش، با تأکید بر روش‌های آموزش اخلاق، همراه با نمونه‌هایی از سیره پیامبر(ص) و اهل بیت ع در سه دسته اخلاق گرایی، پاکسازی اخلاقی و زیباسازی اخلاقی ارائه گردید.

واژگان کلیدی: معلم، صفات مثبت، مدرسه، دانش آموزان، آموزش، تعلیم و تربیت، رشد فکری

---

۱ . نویسنده مسئول

مقدمه

اهتمام به اخلاق در مدارس غیرممکن نیست اما دشوار است. آموزش اخلاقی اگرچه لازم است ولی کافی نیست. حاصل آن نظم دادن و منضبط بارآوردن است که البته عمر و دوام زیادی ندارد. بیشتر به اطاعتی منفی و مطلق می‌انجامد که درنتیجه فعالیت بدنی دانش آموز در مدرسه است. از نظر برخی دانشمندان، کودک اصول اخلاقی خود را تا سن شش سالگی کسب میکند و لذا آموزش رسمی اخلاق در مدرسه به تنهایی چندان تاثیری دراخلاقی کردن وی نخواهد داشت. در واقع اگر آموزش اخلاق با زیرساخت‌های فطری و قلبی آدمی سازگار نباشد، حاصلی جز ریا و نفاق ندارد و به آسانی، تربیت شکل ریایی به خود میگیرد اخلاق به ضد اخلاق بدل می‌شود. به همین جهت است که مدیران و معلمان غالبا گله مند که با وجود اندرزهای اخلاقی که در کتب درسی گنجانده شده و سخنانی که در خلال برنامه صبحگاهی برای بچه‌ها ایراد می‌شود و وجود اشعار و جملات جالبی که بر در و دیوار مدرسه وجود دارد، بازهم رفتارهایی مثل تقلب، دروغگویی، بی نظمی، خشونت و پرخاشگری اسباب زحمتشان است. واقعیت این است که بچه‌ها آن اندازه که تحت تاثیر رفتار و کردار بزرگترها قرار میگیرند تحت تاثیر گفتا زیبا و اغواکننده آنها قرار نمی گیرند به ویژه در روزگار امروز که به یمن گسترش اطلاعات در رسانه‌های گوناگون، معلومات و دانایی آنها در مسائل اخلاقی و اعتقادی بالا رفته است. مثال گاهی با تماشای یک فیلم مذهبی، بهتر و بیشتر معلم خود که میکوشد قصه آن را باز گوید، به موضوع اشراف دارند و کم و بی اشتباهات احتمالی معلمشان را هم یادآور میشوند. با این حال، همه اینها نوعی باور دانشی است و هنوز مانده تا به باور قلبی یعنی تربیت اخلاقی برسد. مقصود از تربیت و ایجاد صفات مثبت، فراگیری و عمل به آداب و رسوم اجتماعی نیست زیرا آداب و رسوم غیر از اخلاق است. برای همین است که در هر کشورآداب و رسوم اجتماعی ویژه‌ای بر اساس ملاحظات نژادی، سیاسی، دینی وجغرافیایی ظهور پیدا میکند که اصرار در تبلیغ آنها چه بسا به ترویج نوعی انحصارطلبی و خشونت منجر بشود. در صورتی که فرآیند اخلاق بشر و صفات مثبت با مسائل بنیادین انسانی ارتباط دارد و در فطر آدمی فارغ از نژاد، دین و زبان او رخ مینماید. پایبندی به اخلاق، وجه ممیزه حیات انسانی است. هدف غایی دین اسلام

نیز تکمیل مکارم اخلاقی است. اهمیت این مساله در دنیای لجام گسیخته امروز که فساد و جنایت از در و دیوار آن میبارد، بشدت احساس می‌شود.

بخش اول: پیشینه تحقیق

در زمینه‌ی ارتباط جو مدرسه و رشد اخلاقی تحقیقاتی اشرف، واسرمن، جنینگز و ریمن در دهه‌ی هفتاد انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که هر جو، شرایط خاصی را برای رشد اخلاقی فراهم می‌کند و در جو دموکراسی رشد اخلاقی تسهیل می‌شود (کد پور، ۱۳۳۱)تحقیقات نشان می‌دهند که تسلط معلم بر دانشِ موضوعی، تنها ۵۰ درصد بر روی موفقیت او در تدریس تأثیر می‌گذارد. ۵۰ درصدِ دیگر این موفقیت، به مهارت‌های ارتباطی او -ارتباط معلم با دانش آموزان، ارتباط معلم با والدین و سایر همکاران- بستگی دارد. همچنین ثابت شده است که میزان ارتباط و تعامل بین معلم و دانش‌آموز، تأثیر مستقیمی بر روی موفقیت تحصیلی شاگردان دارد (khan alamgir, ۲۰۱۷). بنابراین توانایی برقراری ارتباط مؤثر و ایجاد رابطهٔ صمیمانه با دانش‌آموزان، والدین و همکاران، یکی از مهم‌ترین مهارت‌هایی است که هر معلمی باید در خود تقویت کند.

بند اول: زمینه سازی برای ایجاد یک محیط یادگیری امن و حمایتی

وجود روابط حمایتی بین معلم و دانش‌آموز، تأثیر مثبتی روی افزایش مشارکت دانش‌آموزان و پیشرفت تحصیلی آن‌ها دارد. حتی ادعا می‌شود که روابط حمایتی می‌توانند این فرضیه را که "دانش‌آموزان کم بضاعت، موفقیت تحصیلی کمتری دارند" نفی کنند. (O'Connor & McCartney, ۲۰۰۷). اگر دانش‌آموزان در کلاس احساس امنیت کنند، می‌توانند در بحث‌های کلاسی شرکت کنند، افکار و عقاید خود را مطرح کرده، درخواست کمک کنند و سؤالات خود را آزادانه بیان کنند. در نتیجه سطوح بالاتری از مشارکت در کلاس اتفاق می‌افتد. همین موضوع باعث یادگیری بهتر و موفقیت بیشتر دانش‌آموزان می‌شود. مطالعه حاضر با هدف آزمون نقش واسطه‌ای هیجانات معلم در رابطه باورهای خودکارآمدی معلمان و تعامل معلم دانش آموز انجام شد. ۳۲۹ معلم زن به نسخه کوتاه مقیاس خودکارآمدی معلم (SF-TSES، شوارزر، اسچیتزر و دیتنر، ۱۹۹۹)، سیاهه هیجانات معلم (TEI، چن،

۲۰۱۶) و پرسشنامه تعامل معلم دانش آموز (QTI؛ لارداسمی و کنی، ۲۰۰۱) پاسخ دادند. در مطالعه حاضر، از روش مدل یابی معادله ساختاری استفاده شد. نتایج نشان داد که اثر باورهای خودکارآمدی معلم با هیجانات مثبت معلم و تعامل مثبت با دانش آموز، مثبت و معنادار و با هیجانات منفی معلم و تعمل منفی معلم با دانش آموز، منفی و معنادار بود. همچنین، نتایج نشان داد اثر هیجانات مثبت بر تعامل معلم دانش آموز مثبت و معنادار و با تعامل منفی معلم با دانش آموز، منفی و معنادار بود. علاوه بر این، نتایج نشان داد اثر هیجانات منفی بر تعامل مثبت معلم با دانش آموز منفی و معنادار و با تعامل منفی معلم با دانش آموز، مثبت و معنادار بودمحمدی (۱۳۹۷)

تعامل معلم-دانش آموز بر درگیری تحصیلی و سازگاری دانش آموزان با مدرسه اثر مستقیم دارد. اثر غیرمستقیم تعامل معلم-دانش آموز بر سازگاری با مدرسه با واسطه گری درگیری تحصیلی نیز معنی دار بود. بدین ترتیب باید گفت که تعامل معلم-دانش آموز می‌تواند هم به طور مستقیم و هم به طور غیرمستقیم و از طریق درگیری تحصیلی بر سازگاری دانش آموزان با مدرسه مؤثر باشد. بر اساس نتایج به دست آمده از این پژوهش می‌توان گفت برای افزایش احتمال سازگاری دانش آموزان با مدرسه، باید به روابط مثبت آن‌ها با معلمان و نیز ارتقای درگیری تحصیلی آن‌ها توجه شود. اعتمادی زاده(۱۳۹۹)

حاکی از رابطه مثبت مدیریت کلاس مبتنی بر یادگیری اجتماعی- هیجانی و ابعاد آن با سواد هیجانی بود. همچنین بین نزدیکی معلم-دانش آموز با سواد هیجانی رابطه مثبت و بین تعارض معلم-دانش آموز با سواد هیجانی رابطه منفی وجود داشت ($p<۰/۰۱$). براساس نتایج رگرسیون سهم مدیریت کلاس مبتنی بر یادگیری اجتماعی- هیجانی (۰/۲۵۸=بتا) و نزدیکی معلم-دانش آموز (۰/۱۱۳=بتا) در پیش بینی سواد هیجانی مثبت و معنی دار بوده است ($p<۰/۰۱$). با توجه به یافته‌ها پیشنهاد می‌شود که مدیریت کلاس مبتنی بر یادگیری اجتماعی- هیجانی به معلمان آموزش داده شود و ارتباط معلم-دانش آموز نیز در برنامه‌های ضمن خدمت معلمان گنجانده شود. ایجاد چنین محیط حمایتی، با استفاده از بهبود ارتباط معلم با دانش آموزان امکان‌پذیر است. به عنوان معلم باید نسبت به دانش‌آموزان خود شناخت کافی به دست آورید و به آن‌ها این اطمینان را بدهید که از قضاوت و تحقیر در

کلاس، در امان هستند. نگرش مثبت، احترام به دانش‌آموزان، دلسوزی و همدلی با آن‌ها در ایجاد محیط امن و قابل اعتماد بسیار کمک کننده هستند. معلم میتواند از شیوه‌های خاص در کلاس استفاده نماید مانند:

- طرح دقیق و عمیق اخالق، همراه با تمثیل و طرح سئوالاتی از دان آموزان در زمینه مثالها مطرح شده
- تشویق دانش آموزان به مطالعه کتابهای اخلاقی
- مباحثا اخلاقی با رهبری معلم
- بحث پیرامون احساسا ت و ارتباطات شخصی و اخلاقی آن
- اجرای نمای‌هایی که دانش آموز خود ایفاگر نقشهای مثبت و سازنده باشد
- استفاده از فیلم‌های اخلاقی

استفاده از ضبط، ویدیو، تا رفتارهای واقعی بچهها ضبط شود و برای شناخت بیشتر از خودش بشه او عرضه شود. صمیمیت مفهومی گسترده است که در هر فرهنگی وجود دارد (محرابیان، ۱۹۷۱). درواقع، در چین (میرز، زانگ، گان، ۱۹۹۸) در آلمان (بایرن وراچ، ۲۰۰۱) ژاپن (هینکل ۱۹۹۸، نیو لیپ، ۱۹۹۷) کنیا (جانسون، مایلر، ۲۰۰۲)، فنلاند، استرالیا و تا حد کمتری در پورتوریکو (مک کراسلی، فایر، ریچمن، سالین وبراکلوچ و ۱۹۹۵ و۱۹۹۶) درک فراگیر از صمیمت جویی غیرکلامی با یادگیری عاطفی رابطه دارد. با پیشرفت و تحولات شگرف علمی جهان در دنیای ارتباطات و فناوری اطلاعات هنوز هیچ جایگزینی برای معلم یافت نشده است، بنابراین هر تغییر و تحولی در کیفیت آموزشی و هر تحولی و هر تلاشی برای تغییر بنیادی نظام، بدون تحول در نظام معلمی امکان پذیر نخواهد بود (شاه‌محمدی، ۱۳۹۱)فتحی آذر و کریمی (۱۳۸۵) تدریس ازجمله مفاهیم پیچیده و چندوجهی در سیستم آموزشی هر کشور است که می‌تواند از فاکتورهای متعددمتاثر شود. موضوع درسی، معلم و شخصیت او، دانش‌آموز وکنش او در کلاس درس، جو کلی کلاس و غیره از مؤلفه‌هایی هستند که در فرایند تدریس در تعامل دائمی با یکدیگر بوده، چگونگی ترکیب آن‌ها عامل تعیین‌کننده کارآمدی یا ناکارآمدی تدریس است. با توجه به کنش متقابلی که بین معلم و دانش‌آموز در کلاس درس وجود دارد، نحوه رفتار

معلم عامل فوق‌العاده مهمی در جهت دهی به رفتار دانش آموزان در کلاس درس خواهد بود. از میان مؤلفه‌های تأثیرگذار در آموزش پرورش، نقش معلم بسیار مهم وانکار ناپذیر است، رفتار معلم تأثیر فراوانی بر رفتار و گرایش‌های دانش آموزان دارد (جعفری، ۱۳۸۹). رفتار میان فردی و خوب بودن او جنبه‌های مهم از محیط کلاس هستند معلمان برای بهینه کردن شرایط محیط می‌بایستی تلاش کنند تا محیط یادگیری قوی ایجاد کنند ممکن است معلمان قادر به ایجاد کلاس مطلوب‌تری باشند، محیطی موافق که از طریق روابط میان فردی مثبت شناسایی‌شده باشد که در آن هر فردی احساس خوبی داشته باشد (وان پتگم و همکاران، ۲۰۰۶)توانایی‌های معلم که توسعه روابط انسانی صحیح بادانش آموزان را ممکن می‌کند ونیز ظرفیت او را برای ایجاد کلاسی دموکراتیک و موافق، خصوصیت‌های مهمی برای تدریس کارآمد هستند (مویجس ورینلدز، ۲۰۰۵).

طبق اصل صمیمیت محرابیان (۱۹۷۱)، افراد به اشخاص یا اشیائی که آن‌ها را دوست دارند، ارزش بالایی برایشان قائل‌اند و آن‌ها را ترجیح می‌دهند نزدیک شده و به سمت آن‌ها کشیده می‌شوند درحالی‌که از اشخاص و اشیائی که از آن‌ها بیزارند، آن‌ها را منفی ارزیابی می‌کنند یا ترجیح نمی‌دهند، اجتناب کرده و از آن‌ها دور می‌شوند. رفتارهای صمیمیت پیام‌های حاوی نزدیک شدن و دوست داشتن را از طریق نشانه‌هایی مانند دسترس‌پذیری برای ارتباط، کاهش فاصله فیزیکی و روانی بین افراد، افزایش تحریک حسی و صمیمیت میان فردی انتقال می‌دهند. رفتارهای صمیمت جویی غیرکلامی رایج عبارت‌اند از تماس چشمی، لمس کردن و دست زدن، حالت‌های بدنی خودمانی و راحت، حرکات و اشارات رسا و پرمعنی و صدای پرطنین و گرم. (اندرسون، ۱۹۸۵).

بخش دوم: بررسی و شناخت تربیت اخلاقی (صفات مثبت)

واژۀ تربیت از ریشۀ «ربب» است و در کتابهای لغت، دارای معانی متعددی همچون سرپرستی، کامل کردن، اصلاح امور، تدبیر، تادیب، چیزی را ایجاد و انشا کردن و به تدریج از حالت نقص به حد تمام رساندن و سوق دادن شیء به سمت کمال و رفع نقایص اسشت. معنای تربیت از ریشۀ «ربب»، همین معنای اخیر است و سایر معانی همه از آثار و لوازم این معنا باشد؛ زیرا در تمام معانی مذکور، به گونه‌ای معنای تدبیر برای سوق دادن به سوی

کمال وجود دارد. در واقع، مشتقات کلمه تربیت از ریشه »رب «، مانند ربوبیت، رب، مربوب، رب انی، ربیون و ارباب، در متون اسلامی فراوان به کار رفته است (ضرابی، ۱۳۳۱)تربیت در اصطلاح نیز عبارت است از فراهم ساختن زمینه‌های رشد و شکوفایی تربیت پذیر و رساندن او به مرحله‌ای که استعدادها و قابلیت‌های را بروز دهد (مصباح، ۱۳۳۲)نقش مهم معلمان در سلامت و سعادت و تعالی جامعه بر کسی پوشیده نیست هر جامعه‌ای طالع خود را در چگونگی کار معلم می‌بیند و او را اولین و آخرین امید در تربیت و پرورش نوباوگان و نسل اینده‌ی کشور می‌داند. احراز مقام والای معلمی چندان هم ساده نیست. معلم باید با دلسوزی و فداکاری از جان و دل زحمت بکشد تا نسلی تربیت شده و سالم به جامعه تحویل دهد. او باید با صبر و حوصله و متانت اخلاق سرمشق پاکی و راستی و نمونه‌ی یک انسان کامل و صادق برای فرزندان این مرز و بوم باشد. معلم همواره باید وجدانی پاک و رفتاری پسندیده و مهر آمیز داشته باشد. معلم می‌تواند در کنار ارتباط سازنده با دانش آموزان و به کار گیری مهارت‌ها و راهبردها و روش‌های شناختی از طریق مدیریت و ساختارهای معمول کلاسی هم بر ادراک خویشتن دانش آموزان از کفایت و کنترل خود تاثیر بگذارد. شیوه‌ی رایج معلمان در مواجهه با مسایل انگیزشی همچون برخورد ایشان با دیگر مسایل آموزشی است. یعنی ابتدا این مسایل را برای کلاس در نظر می‌گیرند و سپس آن را با یک یک دانش آموزان تطبیق می‌دهند. آشکارا است که دانش آموزان برای یادگیری به آموزش نیاز دارند برای افزایش انگیزش درونی دانش آموزان در امر یادگیری ضروری است تا ادراک کنترل ایشان آسیب نبیند. همچنین برای تداوم این مهم می‌بایست آن‌ها فرصت داشته باشند تا اهداف تحصیلی خود را انتخاب کنند و بر آها حاکمیت داشته باشند. در واقع معلمان باید آگاه باشند که چگونه فرصت انتخاب و حاکمیت را به دانش آموزان بدهند تا توانایی ایشان در عملکرد صحیح محفوظ بماند. اگر دانش آموز انتخاب نادرست داشته باشد با شکست مواجه خواهد شد. امکان دارد که دانش آموز از فرصت کنترل بر یادگیری خود برخوردار باشد اما با عملکردی نادرست کفایت لازم را از دست بدهد. معلمان می‌توانند در ارتباط با ابعاد محتوایی و روش کاری از دانش آموزان حمایت آموزشی به عمل آورند و دانش آموزان نیز همچون معلمان می‌توانند هم در زمینه‌ی محتوایی و هم روش کاری از انتخاب‌هایی

برخوردار باشند. در سن معینی که کودک پا به کودکستان و یا دبستان می‌گذارد و تجربه جدیدی را در زندگی آغاز می‌کند تصور و پندار معلمان درباره فرد و نحوه آشنایی شاگرد با معلمان و رابطه‌ای که بین معلم و دانش آموز ایجاد می‌گردد عامل مهمی در شکل گیری شخصیت و نحوه خویشتن پنداری دانش آموز به شمار می‌آید. معلمان علاقه مند با رفتار انسانی خود دانش آموزانی با صفات انسانی و علاقه مند در مدرسه به وجود می‌آورند. در حالی که معلمان بی علاقه و وقت گذران که به روابط انسانی بی توجهند دانش آموزانی افسرده و گریزان از مدرسه تربیت می‌کنند. اعتقاد و پندار معلم درباره نوع رفتار دانش آموز و توانایی‌های او و نحوه استفاده از این عوامل می‌تواند شخصیت دانش آموز را در مسیر خاصی پرورش دهد. معلمی که دانش آموز را در مدرسه با کلماتی نظیر تنبل، بی عرضه و بیچاره نامگذاری می‌کند، نباید از دانش آموز توقع داشته باشد که فرد علاقه مند و منطقی‌ای شود. تربیت اخلاقی، بخشی مهم از علم اخلاق را تشکیل میدهد و چون مباحث آن عمدتاً ناظر به راهکارهای عملی و ارائهٔ توصیه‌هایی در باب عمل است، گاهی از این بخش با نام »اخلاق عملی« یاد می‌شود. در مقابل، به آن بخش از مباحث اخلاقی که بشه توصیه‌ها و اصول اخلاقی میپردازد، »اخلاق نظری« میگویند مدرسه، نخستین نهاد رسمی است که از طریق معلمان، گروه همسالان، جو مدرسه، و برنامه درسی تعلیمات مدنی(لنگتون، ۱۳۹۳)دانش آموزان را هم به نحوه کار اجتماع محدودشان (مدرسه)و هم جامعهای که در داخل آن سهمی خواهند داشت و بالتبع از حقوق و مسئولیت‌های برخوردار خواهند شد قادر میسازد (باتری، ۱۳۳۳)در این رابطه معلمان به عنوان افرادی که در بالاترین سط از تعامل میانفردی با دانش آموزان قرار دارند و الگویی قابل مشاهده و در دسترس برای سازندگان فردای اجتماع تلقی میشوند، قابل بررسی و تأمل است.

گینات (۲۰۱۴) به‌طورکلی ارتباطات انسانی را به دو مقوله کلامی و غیرکلامی تقسیم می‌کنند. بیشتر متخصصان تعلیم و تربیت، ارتباط را نوعی رابطه دوطرفه می‌دانند، هرچند که رابطه یک‌طرفه نیز ممکن است وجود داشته باشد. ارتباطات معلم و شاگرد هر دو ویژگی را دارد. هم‌کلامی و هم غیرکلامی است. هرگاه معلم مطرح کننده سؤال یا اظهارکننده پیام و مطلبی است باید درنهایت بداند واکنش شاگردان نسبت به آنچه بوده است (بازخورد).

عمده‌ترین مسئله و مهم‌ترین مهارت هنگام تدریس، برقراری ارتباط صحیح میان معلّم و شاگردان است. چنانچه این رابطه به‌خوبی برقرار شود، هدف‌های آموزشی باکیفیت و سهولت بیشتری تحقّق می‌یابند. برقراری ارتباط دارای اصول و فنون شناخته‌شده‌ای است که آشنایی با آن‌ها برای معلّمان ضرورت دارد. برخلاف روابط جامد مکانیکی، رابطه معلم با شاگردان در کلاس درس از نوع روابط پیچیده انسانی است و در برقراری ارتباط انسانی عوامل متعدد و گوناگونی مؤثرند. معلم نقش مهمی در سلامت فکری و روانی دانش آموزان دارد. به طوری‌که مطالعات نشان داده است دانش آموزان معلمان متعادل، از تعادل روانی و آرامش بیشتری برخوردارند.

- قراردادن آنها در موقعیت هیجانی تا بتوانند مسایل اخلاقی و شخصی خود را حل کنند
- در اختیار قراردادن تجربیات دیگران، برای اینکه درک آنها وسعت یابد

این روش‌ها نظر دان آموز را جلب میکند و انگیزه یادگیری قوی میگردد. مثال ایجاد موقعیتهای خاص هیجانی با ضبط رفتار واقعی بچهها باعث می‌شود مسایل و مشکلاتشان را به شکل ملموسی بشناسند و درصشدد حلش آن برآیند. از نقش بازیکردن نیز میتوان استفادهء قابل توجهی نمود. اگر فردی دارای یک مشکل اخلاقی است. مثال ترسو است باید به او اجرای نقش فرد شجاعی را داد. این شیوه باعث انتقال و ایجاد این روحیه در او میگردد. معلم نباید خود را به یک شیوه محدود نماید بلکه باید ترکیبی از روش‌ها را داشته باشد. همچنین معلم باید در آموزش اخلاقی همانند کل آموزش، رعایت تفاوت فردی دان آموزان را بنماید. بعضی از دانش آموزان به مثال‌های بیشتر، بحث وسیعتر و شیوههای خاص تری نیاز دارند. (حسینی، ۱۳۳۱)

بخش سوم: نقش الگویی معلم

باتوجه به آنچه گفته شد وظیفه معلم به امر تدریس و آموزش محدود نمی‌شود. بلکه معلم مسئول تربیت روح و روان و عقل و فکرش شاگردان است. او شخصیت و رفتار دانش آموز را شکل میدهد و تثبیت مینماید. بنابراین قبل از هرچیز شخصیت و رفتار خود معلم باید ساخته شده باشد. نقاط ضعف و قوت شخصیت معلم از حد وجود او فراتر می‌رود. بلکه تمام قوت و ضعفهای در آئینه پاک روح دانش آموزان منعکس می‌شود. پس اگر معلم دارای

صداقت، گذشت:بزرگواری، انساندوستی و غیره باشد. این صفا را بشه متعلمشان منتقل میکند و اگر خود دچار خصوصیات ناپسند اخلاقی باشد، هر چند هم در باب فضایل سخن بگوید، نقاط ضعف او اثر منفی خود را باقی میگذارد. در مدرسه دو خرده فرهنگ را میتوان از یکدیگر متمایز کرد: خرده فرهنگ دان آموزان و خرده فرهنگ معلمان. البته ارزشهای ایشان دو خرده فرهنگ متفاوت هستند. ارتباط و دلبستگی نوجوان به معلمان، تأثیر زیادی روی عالقهها، نگرشها، تفکرا و تمایلات وی به جا میگذارد. به همین خاطر، هرچه ارتباط و علاقهی نوجوان به معلم بی تر شود، آثار و پیامدهای آن بازرتر و آشکارتر خواهد شد. ایشان ارتباط و علاقه، به شکلها و رنگهای گوناگون درمیآید که اساس آن، به شخصیت معلم، میزان تعهد او به شغل خود، میزان درک و شناخت وی نسبت به مرحلهی نوجوانی و طریقی حل مشکل آن بستگی دارد. چنانچه معلم نسبت به دانش آموزان امر و نهی، تهدید، تعقیب و آزار و شکنجه اعمال کند، دانش آموزان را از خود دور میسازد و میان خشود و آنها جدایی میندازد؛در نتیجه، مورد بحث آنها قرار نمیگیرد. برعکس، معلم خوب و عادل که همواره با دان آموزان همکاری صمیمانه دارد و هنگام درخواست کمک، از سرزن آنشان پرهیز میکند، میتواند محبت و اعتماد دان آموزان را به خود جلبکند. بیابانگرد، ۱۳۳۹ مربیان و مسؤولان تعلیم و تربیت، نباید از پرورش»تفکر نقاد« نسبت به فرزندان و دانش آموزان، غفلت کنند، زیرا برخورداری از اندیشهی منتقدانه، مانع همانند سازی افراطی میشود و از ویژگیهایی چنین تفکری، ارزیابی منصفانه و آگاهانه نقاط قوت و ضعف الگوها و سرمشقهای انسانی خواهد بودآموزش شیوهای نقد اندیشهها و تحلیل رویدادها، کمک شایان توجهای به این نسل خواهد کرد. زیرا بشر جوانان را درک میکنند، اما قدرت تحلیل آنها را ندارند و نیز برقراری رابطه بین حوادث با سایر پدیدههای اجتماعی، در توان همهی نسل جوان نیست، بلکه معدودی میتوانند به تحلیل منطقی بپردازند.

بخش چهارم: زمینه سازی اخلاق در آموزش و پرورش

اخلاق و محتوای تعلیم و تربیتامروزه در اینباره که بخشی از آنچه به دان آموز انتقال داده میشود، باید فضایل اخلاقی و مناسبات انسان دوستانه در ارتباطات گروهی و رعایت هنجارهای اخلاقی در استفاده صحیح از طبیعت باشد، بحثی نیست؛ اما باید توجه شود از

ارائه مسشتقیم اخلاقیات پرهیز شود و کمتر اخلاقی در قالب یک درس و یک کتاب آموزش داده شود؛ بلکه تلاش شود اخلاقیات به صور غیر مستقیم و ضمن سایر دروس آموزش داده شود؛ چرا که در غیر این صور، نه تنها درس اخلاق به لفاظی اخلاقی خواهد انجامید، بلکه آن هم به مانند سشایر دروس، بشه صور حفظی _ یادسپاری و یادآوری و تکرار بدون کمترین کاربرد عملی، تدریس خواهد شد (ظهیر، ۱۳۳۱)

اخلاق و مقررات آموزشی و پرورش در حوزه آموزش و پرورش، اخلاق و قواعد اخلاقی هم در قالب نوع عمل و رفتاری که از متصدیان و مجریشان و نیز مخاطبشان آموزش و پرورش انتظار میرود و هم درباره مقررات ناظر به تحقیقا ت تعلیم و تربیت، تجلی ویژهای دارد. از دیرباز تاکنون، اخلاقیات آموزشی _که همان رفتارهای شایسته و هنجارهای مناسبی است که استاد نسبت به شاگرد و شاگرد نسبت به استاد باید در نظرش داشته باشد _جایگاهی خاص دارند؛ امری که گاه از آن به »آداب آموزشی« ادب معلم و استاد و ادب درس و... تعبیر می‌شود. ایشان آداب، گذشته از آنکه فرایند یادگیری را رونق خاصی میبخشند، نوعی تعامل و رابطهٔ عاطفی ویژه را در محیط آموزشی و تربیتی ایجاد میکنند و خود، از مؤثرترین شیوههای آموزشی و ترویج فضایل اخلاقی به شمار می‌آیند)حاجی ده آبادی، ۱۳۳۳تعلیم و تربیت اخلاقی و ارزشی به آنچه که مدارس و دیگر نهادهای آموزشی برای کمک به افراد جهت تفکر پیرامون مسائل مربوط به درست و نادرست امور و در پی آن تمایل به سمت خوب بودن اجتماعی و نیز کشمکش به آنها جهت رفتار بشود روش و منش اخلاقی و ارزشی انجام میدهند، اطلاق می‌شود. آنچه که در مدرسه به طور آگاهانه انجام میگیرد جهت تربیت اخلاقی و ارزشی به یادگیری‌های برنامه‌ریزی شده و هدفمند و عالمانه در بر نامه‌های درسی اشاره دارد. این فعالیت آگاهانه بشه برنامه درسی - که خود موضوع درسی، محتوا و مهارهای خاص و نگرشهای از قبل تعیین شده را شامل می‌شود - مربوط است. به هر حال، تلاش دانش آموزان برای فهم و درک اینکه چه چیزی درست و چه چیزی نادرست است، به شد تحت تاثیر جنبه‌های برنامه‌ریزی نشده و جنبه‌های آشکار و پنهان کار مدارس قرار میگیرد در این زمینه راهکارهایی زیر ارایه می‌شود.

نتیجه گیری

آموزش، بدون ایجاد رابطه‌ی معنایی نخواهد داشت معلمان در همان آغاز کار خود پی می‌برند که نحوه برقراری ارتباط با دانش آموزان بسیار اهمیت دارد(یغما، ۱۳۸۴، ۱۰۵). آنان از خود می‌پرسند، آیا به پرورش دانش آموزان پرداخت و به آن‌ها عشق ورزید و یا باید سختگیر بود و انتظارات زیادی از آن‌ها داشت ؟ آیا باید به دانش آموزان نزدیک شد یا از آن‌ها فاصله گرفت ؟ در این مقاله سعی شد به این سوال‌ها پاسخ داده شود. این موارد پرسش‌هایی است که اغلب معلمان تازه کار در اندیشه آن هستند. معلمان با تجربه که شیوه‌ی خاصی را پس از طی سال‌ها بر گزیده اند، کمتر در این موارد می‌اندیشند. به هر حال توصیه می‌شود تا معلمان به تاثیر نوع ارتباط خود بر شکل گیری گرایش‌های انگیزش دانش آموزان توجه کنند. روابط مبتنی بر محبت، احترام و اعتماد متقابل میان معلم و دانش آموز هم موجب می‌شود تا دانش آموز به معلم وابسته نشود و هم انگیزه تحصیلی وی را افزایش می‌بخشد و صفات مثبت را یاد بگیرد.

منابع و مآخذ

- باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ۱۳۳۱ش، تهران، انتشارا مدرسه
- بیابانگرد، اسماعیل، ۱۳۳۹ش، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- پورظهیر، علینقی، »آموزش اخلاق در دبستان«، مجموعه مقاال سمپوزیوم جایگاه تربیت در آموزش و پرورش دوره ابتدایی، ۱۳۳۱ش، تهران، انتشارات تربیت
- حاجی ده آبادی، محمدعلی، چشماندازی به جایگاه و نقش اخلاق در آموزش و پرورش، کتاب دوم تربیت اسلامی، ۱۱۲ش، تهران، نشر تربیت اسلامی
- حسینی، افضل الملوک، تربیت اخالق۳جایگاه مدرسه در تربیت اخلاقی، مجله تربیت، آذر۱۳۳۱، شماره ۹۳
- داودی، محمد، سیرۀ تربیتی پیامبر و اهل بیت تربیت اخلاقی(، ۱۳۳۳ش، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه)
- دیلمی، احمد و مسعود آذربایجانی، اخلاق اسلامی، ۱۳۳۳ش، قم، نشر معارف، ص. ۱۳
- ضرابی، عبدالرضا، »تربیت محبت محور«، اسلام و پژوهای تربیتی، ۱۳۳۱ش، سال سوم، ش۱
- کارگر، رحیم، تعلیم و تربیت در عصر ظهور، ۱۳۳۳ش، تهران، انتشارا بنیاد فرهنگی حضرت مهدی عج
- کدپور، پروین، ۱۳۳۱. بررسی رشد قضاوت‌های اخلاقی در رابطه با جو سازمانی مدرسه و نحوه‌ی تعامل معلم با دانش آموزان